

باختر امروز

مؤسسی : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
بخش خاورمیانه

« جریده باختر امروز »

نشرة

منظمات الجبهة الوطنية الايرانية

في الشرق الاوسط

العدد الثالث والثلاثون

السنة الثالثة

كانون الثاني ١٩٧٢

المرحلة الرابعة

توطئه جديد رژيم هبني بر سكوت و عدم اجازه
بخش اخبار فعاليت‌های انقلابيون ايران ، تنها نشانه
ايست از شدت وحشت طبقه حاکمه از ضعف خود در
سرکوبی آزاديخواهان . اين تلاوم کار انقلابی است
که رژيم را مجبور خواهد کرد که نقاط ضعف خود را
بنمایاند .

دی - ١٣٥١

دوره چهارم

شماره ٣٣ - سال سوم

به یاد مجاهد شهید

محمود شامخی

اخبار رسیده از ایران شایعات قبلی را تأیید کرد
که در روزهای آخر شهریور ماه ، محمود شامخی ، مجاهد
ارزنده و دلیر در زیر شکنجه های جلادان شاه شهادت
رسیده است . و بدین ترتیب در جاده خونین و سرخ
رنگی که به آزادی خلق ایران منتهی خواهد گشت عبوری
دیگر مردانه بخاک افتاد ، جان در راه رهائی خلق خود
کنداشت . ستاره‌ای دیگر در آسمان قهرمانیها و
فداکاریهای خلق دردمند و مبارز ایران درخشید و سوخت
با چراغ راهی باشد فرا راه انسانه چشمی یابنده
داوند .

راه مبارزه خلق ایران هرگز بی عاير نخواهد ماند .
محمود شامخی دلیر و مجاهد اولین یا آخرین کسی نیست
که در این راه مقدس و شریف جان می سپارد . سلاح
محمود شامخی هرگز بر زمین نخواهد افتاد ، هستند
دستان مصمم و توانانی که سلاح او را بر بوی نود و دشتنان
خلق را بسزای چنایان تاشان برسانند .

« از قربانی دادن نباید ترسید » . این گفته یکی
از انقلابيون بزرگ معاصر است . راه انقلاب راهی
است زاینده عاير ، عايري بر خاک می افتد عايران
دیگری جای او را میگیرند و براه او ادامه میدهند .
وجود جوانانی که بنام نیرنگها و دل خوشکنکهای
محیط پشت یا نهاده و در راه تحقق آرمان خلق خویش
تا پای جان مقاومت میکنند بزرگترین دلیل علیه کسانی
است که میکوشند جوانان خلق ایران را به بی‌همنی و
ماجراجونی متهم کنند . همین پایمردیها و شهامت‌ها و
فداکاریها رژيم محمد رضا شاه و اربابان امریکائی او
را که میخواهند بمرم بقبولانند که باصلاح انقلاب
آنها برای مردم بوده است مرچه بیشتر رسوا میکند .
وجود جوانان روشنفکر انقلابین که حاضرند از تمام
امتیازات و لذتهای شخصی گذشته ، خود را با انواع
مشکلات روبرو کنند و سرانجام جان خود را در راه
رهائی محرومان بگذارند ، هشدار بکسانی است که
هنوز بمسئولیت خویش در قبال خلق و زحمتکشان پی
نبرده و عمل نکرده اند .

محمود شامخی در سال ١٣٢٥ در خانواده‌ای از
اهالی کاشان در تهران متولد شد . در همان منطقه
جنوب تهران که اقامت داشتند پدرسه رفت و از
شاگردان ممتاز دبیرستان علوی تهران بود . پس از
دوران دبیرستان که با موفقیت گذراند بدانشکده
حسابداری شرکت نفت رفت ، اما دلش جای دیگری
بود . او از سال دوم دیگر بدرس دانشکده دل نیست
و تمام وقت و فکر خویش را در راه سازمانش بکار
گرفت . محمود این ضرورت انقلابی را درک کرده بود
که برای خاطر انقلاب و برای پیشبرد امر مبارزه
باید بطور موقت روی عواطف خانوادگی پا گذاشت .
او علیرغم عاطفه خود از خانواده‌اش جدا شد و بیبانه

بقیه در صفحه ٤.

درباره روابط خارجی چین

ادامه سیاست نرمش و دوستی از جانب دول سوسیالیستی با رژیم ایران
نه تنها برخلاف ادعا ، مواضع رژیم شاه را تعدیل نکرده ، بلکه عملاً وی را در
خدمت بامپریالیسم گسستخ تر و بی‌محابا تر نموده است .

آن داریم تا از سایر نقاط (و نه بعلت عدم اهمیت آنها)،
موضع خود را از سال قبل باید قطعی تر کنیم .
در ابتدا هنگامی که چین سیاست خارجی جدیدی
را در پیش گرفت (و یا تعمیر جدیدی از سیاست
همزیستی مسالمت آمیز ارائه داد) بودند بسیاری که ،
اگر نه کاملاً ولی تا اندازه‌ای بحق ، اظهار نظر قطعی در
این مورد را موقوف به روشن شدن مسائل بیشتری
میکردند . دو سال گذشته به همه منجمله محافظه
کارترین آنها این امکان را داد که زوایای مختلف این
پدیده جدید را بررسی کنند و بنابر این اکنون میتوان
گفت موضع روشن تکررین ، شانه از زیر بار مسئولیت
خالی کردن است و فرصت طلبی .
بر قراری روابط حسنه بین چین و ایران که
زمان و نحوه تدارکش مورد تأیید اکثریت عظیم خلق ما
نبود مانع از این نشد که عده‌ای ولو بسیار معدود
بشدت از آن دفاع کنند بر مبنای آنکه هر چه چین
کند دقیقاً همان درست است ، در دفاع از این خط همه
نوع فایده را بر شمرند ولی يك كلمه نگفتند که
بقیه در صفحه ٢

اخبار

• ریچارد هلزن رئیس سابق سی آی ١ ، سفیر
امریکا در ایران و اردشیر زاهدی، سفیر ایران در
امریکا شد . هلزن سال گذشته بخاطر کمک به
رژیم ایران برای سرکوبی سازمانهای چریکی
بایران آمد ولی اکنون رژیم های ایران و امریکا
تشخیص داده‌اند که شرایط ایران اقامت او را
بطور دائم در ایران می طلبد . اردشیر زاهدی
که وابستگی اش به سیا بسیار روشن است ،
مشاور خاص مقامات امریکائی برای سرکوبی
جنبش‌های خلق ما خواهد بود . آیا واضح‌تر از
این دلیل برای نشان دادن وخامت اوضاع ایران
وجود دارد که شاه ، ننگ پذیرفتن آشکار رئیس
سازمان جاسوسی امریکا را بعنوان سفیر می -
پذیرد و اردشیر زاهدی مطرود را دوباره به
خدمت میگیرد .
• شایع است که آقای سید خلیل رفیعی طباطبائی
چند ماه پیش در شکنجه گاه‌های رژیم ایران به
شهادت رسیده است .

بقیه در صفحه ٤

یکسال و اندی پیش در شماره ١٥ باختر امروز
در مقاله‌ای تحت عنوان «در باره روابط خارجی چین»
نوشتیم :

«... رویدادهای اخیرى که در زمینه بسط
مناسبات دیپلماتیک بین جمهوری توده‌ای چین و پاره‌ای
از کشورهای سرمایه‌داری جهان خصوصاً در چند ماهه
اخیر بوقوع پیوسته انعکاس‌های بسیار مختلفی داشته
است . طیف این انعکاسات بوسعت جهان بینی اقتدار
و طبقات مختلفی است که در این رویدادها بنحوی از
انحاء ذینفعد و تردیدی نیست که اهمیت این وقایع
چنان است که هیچ گروهی نمیتواند خود را از تأثیرات
آن برکنار بیندارد و بهمین دلیل کمتر فرد ایرانی را
میتوان دید که در این مورد موضع نگرفته باشد . این
موضع‌ها از موضع عناصری ضد کمونیست که بخيال
خود دلیل بر نفی کمونیسم بدست آورده‌اند و لبخند بلب
دارند تا موضع عده‌ای که مبنای افکار خود را بر جزم -
های خود ساخته گذاشته بودند و اکنون یا دچار یاس
مفرط شده و یا هنوز متعصبانه نقش توجیه گر را
بازی میکنند متفاوت است . برای موضع گیری صحیح
باید بطریق علمی به وقایع برخورد کرد ، نه گذشته‌را از
یاد برد و نه آینده را از نظر دور داشت . همه جنبه ها
و جهات را در نظر گرفت و خالی از تعصبات کوته نظرانه
تحلیل صحیح را ارائه داد و شانه از زیر مسئولیت
خالی نکرد . » و بالاخره گفتیم «بنابر این زمان و نحوه
تدارک مناسبات ایران و چین و نیز بیانات و اقدامات
چونلای نماینده جمهوری توده‌ای چین در این زمینه‌ها
ابدا مورد توافق ما نیست و خود را از ابراز تأسف
ناگزیر مینیمیم . همچنین در صحت پاره‌ای از اقدامات
دیگر تردید کلی داریم . از آنجمله‌اند موضع چین در
قبال انقلاب سیلان ، شورش پاکستان و تقویت یحیی
خان ، اینها و چند اقدام دیگر برای هر آزاده‌ای که
بچین بعنوان بزرگترین کشور مترقی جهان مینگرد
تأسف آور است . مهمان معتقدیم که کسانی که
بخاطر این اقدامات به چین مارک دید ناسیونالیستی
میزند عجولانه و بر مبنای شواهد ناکافی قضاوت می
کنند و امینواریم که حوادث آینده نشان دهند که
قضاوت این عناصر نا صحیح بوده و تیروهای مترقی
جهان میتوانند کماکان ٧٠٠ میلیون خلق چین را در کنار
خود داشته باشند .»

«کمون بیش از یکسال از آن تاریخ میگذرد . در
این مدت رویدادهای متعددی در زمینه ادامه این روابط
بوقوع پیوسته که لاقال در مورد مسائل مربوط به
ایران از آنجهت که شناختی بیشتر از ایران و مسائل

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپریالیسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

بقیه روابط خارجی چین

آیا خلق ایران از روابط شاه و پکن سود میبرد یا نه؟ چنان گویی که منافع خلق ما هیچ جا بحساب نمی آید. مضحك است بنام انترناسیونالیسم از منافع همه کس و همه جا سخن راندن و وطن را بکلی فراموش کردن. این یعنی از ترس در نیفتادن بسه ورطه ناسیونالیسم، به گرداب جهان وطنی در غلظیدن. و نیز عده ای بصورت مدافعین خجول به عذر بدتر از گناه توسل جسته و ادعا میگردند که گویا چین از شرایط ایران «بی اطلاع» است و ما باید حقایق را به آنها گوشزد کنیم!

و مانیز همراه با سایر نیروهای مترقی جهان همین کار را کردیم! و حقایق را گوشزد نمودیم! و نتیجه چه بود؟ استقبال آسانهای از هرجائی دیگری بعنوان نماینده مردم ایران در پکن، دست در دست هویدا کریم شیرهای دربار!

متاسفانه تا کنون دولت و حزب کمونیست چین با بی توجهی کامل به نگرانی بسیاری از مردم جهان تا آنجا که ما اطلاع داریم در هیچیک از نشریات خود. موضع خویش را توجیه و یا تشریح نکرده اند و چنان با مساله بر خورد کرده اند که مردم جهان میبایستی بطور خود بخود هر اقدام دولت چین را تأیید کنند. بنظر ما این عدم برخورد و تحلیل و توضیح بهممان اندازه قابل تاسف است که اصل قضیه. بنابر این کسانی که میخواهند از دلایل محتمل چین مطلع شوند چاره ای ندارند بجز مراجعه به نشریه سازمانهایی که خود را منافع سیاست چین مینمایانند. برای مثال اخیرا نشریه ای از انگلیسی به فارسی ترجمه شده که در آن عدهای ظاهرا از طرفداران سیاست خارجی چین (اتحادیه انقلابی) پس از مسافرت بسه چین و درک نظرات و همرازان آن، در دفاع از مواضع چنین تلوین کرده اند. نه قلت صفحات این روزنامه اجازه بر خود با مسائل مطروحه در این جزوه را میدهد و نه وظیفه ماست که در چنین نشریه ای با تک تک مسائل آن بر خورد کنیم. فقط مجبوریم بسه افشاء يك دروغ در مورد ایران که در این نوشته آمده پردازیم که هم جوانانی که سنشان اجازه بیاد آوردن جریانات نهضت ملی ایران نمیدهد مطلع شوند و هم سیمای توجیه گرانی که کار را به گستاخی و دروغ پردازی رسانده اند شناخته گردد. «اتحادیه انقلابی» چنین مینویسد «۰۰۰ در سال ۱۹۵۳، زمانی که يك جنبش واقعا ضد امپریالیستی در ایران وجود داشت، ولو اینکه بوسیله قنرتهای بورژوازی رهبری میشد، چینیها پشتیبانی عظیمی از آن جنبش نمودند. در آزمان فقط ۴ سال از آزادی چین میگذشت و اقتصاد چین هنوز بسیار عقب افتاده بود، با این حال چین برای کمک به این کشور در دفاع از خود در مقابل تسلط امپریالیستی و بخصوص بعد از اینکه ایران سرمایه های نفتی خارجیان را ملی نمود کمک اقتصادی خود را بایران گسترش داد. چینیها پیشنهاد کمک اقتصادی بلاعوض بایران نمودند ولی سران دولت ایران اصرار به تبادل کالا داشتند و بنابر این خرما به چین فرستادند. لذا در آزمان مردم چین مقدار زیادی خرما داشتند ولی برای اینکه از مبارزه مردم و دولت ایران پشتیبانی بکنند، خرما را همراه با همه جنبش خود مصرف مینمودند، در نان، در آش، در همه غذاها ۰۰۰۰۰!

میبینید که توجیه گری تا چه حد ابتذال و دروغ گویی را بپیمای می آورد. این نوع دوستی بدتر از دشمنی، نه تنها باعث خشم مردم میشود، بلکه خشم آنها را که کمتر آکامند متوجه چین میکند و آنها را از صورت منفذ چین به عداد مخالفین چین در می آورد. اگر ما ایرادی داریم بیشتر متوجه سیاست فعلی چین است نه گذشته آن (بگذریم که از زمانی که بیاد داریم تا بحال حتی برای يك بار هم شاه و رژیم ایران بطور مشخص از جانب آنها محکوم نشده و یا مطلبی علیه آن انتشار نیافته است - که خود مساله کم اهمیتی نیست). ایراد، در ردیف کردن چندین هزار نفر و فریاد «جاوید شاه» (به فارسی!) کشیدن، به ضد امپریالیست خواندن شاه، به روز تولد منحوس اورا «روز ملی» ایران خواندن، به ملبوران کردن فرح پهلوی و عباس هویدا به از فرط شور و شفع به هوا پریدن (یا پراندن) مردم، به زمانی رهبری خردمندانه شاه را در اوک ستودن و بعد که عفونت رهبری شاهانه کارتل های نفتی را وا داشت که یکزبان اورا

بزرگترین دوست خود بخوانند دم فرو بستن ۰۰۰۰۰ اینهاست آنچه که واقع شده و مورد اعتراض بسیار شدید ماست.

متاسفانه چنان پیش آمده که عده ای از افراد صمیمی ولی نا آگاه درست بخاطر اینکه توجیهات معذرت خواهان نه تنها قانعشان نکرده بلکه آنها را عصبانی هم کرده است به مهلکه ضد کمونیسم و ضد چینی گرانی در غلطیها مانده و کشیده شدن بدام این اشتباهات را جزء لایتجزای سوسیالیسم میخوانند و بقول خود منتظرند که روزی سایر کشورهای سوسیالیستی هم بهمین طریق کشانده شوند. این عده کم نیستند و گناه گمراهی آنان بهمان اندازه که متوجه ناآگاهی خود آنهاست مدلول ضعف مدافعین بی چون و چرای این سیاست هاست

اینها بخشی از انتقادات ما نسبت به سیاست خارجی چین در قبال رژیم ایران است. ولی پایای انتقاد از سیاست خارجی چین، باید احترام عمیق خود را نسبت به جامعه ۷۰۰ میلیونی چین، انقلاب آن حرکت سریع آن بطرف استقرار کامل سوسیالیسم، که حماسه های بزرگ عصر ماست بیان داریم معتقدیم که باید هر انتقاد از سیاست خارجی چین همراه باشد با توجه به روابط و مناسبات داخل جامعه چین. بسه عمق و عظمت کار خلقی که در میان توده های خلق چین میشود، به کوشش با شکوه آنان برای ساختن جامعه ای عظیم، سرفراز، گویا و انقلابی و به حرکت افتخار آمیزی که در عرض ۲۲ سال چنین اعتباری بسه سوسیالیسم بخشیده است. ندیده گرفتن این جنبه قضیه، یعنی دقیقا همان چیزی که امپریالیسم میخواهد. یعنی ضد چینی شدن، یعنی ضد کمونیست شدن و بالاخره یعنی ضد انقلابی شدن. اگر کسی فرق جامعه ۲۲ سال پیش و امروز چین را نمی فهمد و تنها بذکر اشتباهات و انتقادات قناعت میکند یا نادان است و یا مغرض.

در همین جا باید بذکر نکته ای دیگر پردازیم. همانطور که در مقاله «در باره روابط خارجی چین» گفتیم معتقدیم که «سیاست خارجی هر کشور دنباله و باز تاب شرایط داخلی آن کشور است» و بر این اساس معتقدیم که تضاد موجود بین این دو جنبه سیاست دیر یا زود به صورتی بنفع یکی از آنها حل خواهد شد. یا جامعه چین و مناسبات درونی آن باید دگرگون شود یا سیاست خارجی آن. اندک توجه به استحکام و صلابت مناسبات داخلی جامعه چین ما را امیدوار میکند که این سیاست خارجی چین است که تغییر باید بکند و خواهد کرد. البته حساب ما بحساب توجیه گرانی کفرصت طلبانه هم وضع امروز را تأیید میکند و هم سیاست مخالف فردا را، جدا است و بیوجوه هم نمیخواهیم از حجت و شدت انتقاد وارده بکاهیم. معتقدیم انتقاد باید شدیداً وارد آید چه انتقاد سلاح اصلاح است

و باید به سختی هم وارد آید و نیز نمیخواهیم با امید تخیل وار بسه فردا بسن، واقعیات ناستودنی امروز را ندیده بگیریم. ولی در عین حال معتقدیم که هر فرد سیاسی باید علاوه بر امروز، فردا را نیز ببیند، مسؤول باشد نسبت توجیه گر کور دل و نه گوینده گستاخ باشد. هم زیباییها را ببیند و هم ناهمگونیها را و بالاخره در برابر حرکت انقلابی جهان و هنگام تحلیل سیاست یکنفرت جهانی، هم وطن پرست باشد وهم انترناسیونالیست.

قبل از ختم کلام اشاره ای نیز به سفر شاه به شوروی و بهبود بیشتر مناسبات بین ایران و شوروی و قراردادهای ۱۵ ساله کمکهای اقتصادی و فنی ضروری است. این اشاره نه تنها از این نظر لازم است که آنها را کاملا بطور بدانیم بلکه از این جهت نیز ضروری است که یادآوری کنیم که چگونه (ومتاسفانه) در مورد شوروی، مناسبات اجتماعی در جهت انحراف وسازش حرکت کردیوان هرک عظیم که انقلاب اکثر برای بوجود آوردن جامعه بی طبقه آغازید متوقف شده است. مجدداً تذکر میدهم که در این نشریه امکان بررسی ماهیت روابط فعلی و گذشته شوروی و اینکه روابط اجتماعی فعلی دنباله طبیعی روابط گذشته هستند یا نه نیست. این بحثی است که در جای دیگر و بشکلی دیگر باید بشود. غرض فقط توجه به این امر است که چرا اقدامات شوروی را ما وراء اعتراض و انتقاد میدانیم ولی مورد چنین هنوز امید داریم و هر در را یکسره و با يك چوب نمیرانیم.

بطور خلاصه، متاسفانه سیاست خارجی چین در مورد ایران در طی سال گذشته نه تنها تصحیح نشد بلکه ادامه آن نشان داد که بر خلاف تصور بعضی، مساله تاکتیکی (ومثلاً برای عضویت سازمان ملل در آمدن) نبوده است. معتقدیم که چین در اقدامات خود بیش از حدی که انترناسیونالیسم اجازه میدهد گرایش بطرف حل مسائل خود داشته و در هر اقدام تنها مساله روابط خود با کشور مشخصی را (و منافع و مضار حاصله از آنرا) برای خود در مد نظر داشته است. دفاع از نمری قصاب سودان را بعهد گرفته بدلیل آنکه نمری ظاهراً روابط دوستانه نسبت بسه حکومت چین داشته و یا حکومت قاصد سیلان و سیا پاکستان با چین مناسبت داشته اند. آنچه حتی در بوجیه توجیه گرانی نمی آید وضع خلق های این کشورهای کشورهای است که زیر پنجه این رژیم های سفاک تقلا میکنند. (در همین چند هفته گذشته حکومت پاکستان تظاهرات کارگران را به گلوله بست و دوما نفر را شهید کرد).

ویلیز حوادث دو سال گذشته بخوبی نشان داد که تصور باطل دوستی با دول دست نشانده امپریالیسم بخیال تصحیح مواضع و براه راست آوردن آنها چقدر بیجاست. بر عکس، دست نشاندگانی چون شاه عملاً نشان داده اند که با فارغ الخیال شدن از جانب کشورهای نظیر شوروی و چین، بیشتر از پیش در خدمت بسه امپریالیسم گستاخ شده اند. اقدامات چند ماه اخیر رژیم ایران در مقابل کارتل های نفتی چنان بی پرده و گستاخانه بود که شاه چند سال پیش نمیتوانست چنین موضعی بگیرد. او همیشه یا مجبور بود شرایط خاص ایران را برای توجیه خودفروشی های خود دلیل بیاورد و یا لااقل گاهگداری با شرکت نفتی جنک زرگری کند. ولی اکنون با نهایت فراغت دست در دست دول غربی و شرکت های نفتی خورشرقی میکند. پیمان سنتو را که تا دیروز بیفایده میشدند دست میچسبید و هم او هم رژیم های دیگری همچون پاکستان و ترکیه سعی در تقویت آن میکنند. اگر اینها بطالت تصور تضعیف موقعیت امپریالیسم در این کشورها بر اساس سیاست نرمش را برای کسانی ثابت نکند هیچ چیز ثابت نخواهد کرد و اگر این واقعیتها نشان ندهد که دلایل توجیه گران سیاست چین بی پایه و ساختگی است هیچ چیز دیگری به آنها نخواهد فهماند.

در يك کلام معتقدیم چین در سیاست خارجی خود در دو سال گذشته روشی چینی گرا داشته و این مغایر با رعایت اصول انترناسیونالیسم مورد انتظار از جانب کشوری است که اعتبار انقلاب کبیری را پشتوانه دارد و این امر در تضاد آشکار با اداهه مناسبات مترقی و انقلابی در درون جامعه چین است.

اعلامیه سازمان مجاهدین بقیه از صفحه ۳

مهدی به رزمندگان انقلابی ایران میآموزد: درس بایاداری، درس ایمان داشتن بخلق درس مرگ رایدزرفتن ولی همزیستی بادشمن رانیدزرفتن. و خود آنرا از پیشوای بزرگش حسین بن علی (ع) آموخت. و این آخرین کلام مهدی دربیدادگاه ضد خلقی شاه است: «خلایوند اراده کرده است که ستمدیدگان را وارثین بحق جهان سازد. خلعها مجریان این اراده الهی هستند. هدف ما چیزی جز بهروزی خلق، جز درهم شکستن هرگونه روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی واستوار ساختن تعالیم انقلابی اسلام در جامعه نیست. جامعه ای آزاد - بی طبقات و توحیدی. جامعه ایدال ماست.»

یا ماسر نخم رابکویم بستنگ
یا او سرما به دار سازد آونک
گرامی باد یاد مهدی پاک و دلیر
پیروزباد انقلاب مسلحانه خلق ایران
مرگ بر دست نشانندگان استعمار
مرگ بر امپریالیسم
(مجاهدین خلق ایران)
۱۳۰۱-۶-۲۰

توجه

چاپ دوم جزوه «تحلیل از شرایط جامعه ایران - جنگ مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک» نوشته مسعود لاحد زاده، منتشر شد.

خلة
آخر
قریب
معص
است
داغ
این
فرز
شد
وطر
سال
است
مانند
انقلا
براد
نژاد
خلق
مسلا
پیکا
دیگر
دلاور
امابا
وفار
میتوا
میتاز
مادر
شکند
واحد
بروزه
نگذار
انقلا
تفنگ
پیروز
داشته
شاه
برای
از ته
دشمن
پيام
انقلاب
و
وعده
دشمنان
محمد
را خا
مجاهد
دستگ
ص
برقی
که تک
را در
بود
و بیض
وقاحت
انقلاب
مهدی
رازدار
نسبت
مهدی
سینه
نیفتاد
رازدار
مقاومت
که در
عظمت
میفهمد
عظمت

بقیه اعلامیه مجاهدین

(از آخرین کلمات مهدی آزاده در بی‌دادگاه خلقی شاه جنایت پیشه)

مهدی رضائی نه اولین قربانی خلق ماست و نه آخرین آن . اما مهدی از جمله عزیزترین و دلاورترین قربانیان و شهیدای سرافراز خلق ماست . شهادت مصومانه مهدی جوانمرد در زیر شکنجه‌های سبعانه عمال استعمار داغ تنگی بود بر پیشانی نوکران استعمار . داغ ننگ و نفرتی بود بر پیشانی کنیف محمدرضا شاه این پیر کفتار خونخوار استعمار . مهدی ۱۹ ساله فرزند قهرمان دلیر خلق ما ، در آغاز جوانیش قربانی شد تا پیر کفتاران خونخوار آسوده بخوابند و فارغ بال وطن فروشی و هرجائی‌گری کنند . مهدی برادر ۱۹ ساله همه انقلابیون ایران خون پاکش را ریخت نادلان استعمار و مزدوران بیگانه حد دشمنی خود را با خلق ما نشان داده باشند و بخيال خود ضربتی دیگر بر پیکر انقلاب زده باشند . فرزند ۱۹ ساله زحمتکشایان ایران

برادر جوان بدیع زادگانها ، احمد رضائی‌ها ، حنیف نژادها ، احمد زاده‌ها ، پویان‌ها و صلحا شهید دلاور خلق جان خود را فدای کربلا خون پاکش پرچم انقلاب مسلحانه خلق ایران را تلگون نمود ، تا از سونوی اصلت بیکارمقدس و قهرمانانه خلق مانوده شود و از سونوی دیگر دشمنی محمدرضاشاه را بازحمتکشایان و فرزندان دلاور خلق نشان دهد . آری همه اینها نموده شد . اما باز نه پیرکفتاران خونخوار میتوانند آسوده بخوابند و فارغ بال هرجائی‌گری کنند ، و نه دلالان استعمار میتوانند انقلاب مارا نابود سازند . انقلاب به پیش میتازد و راه خود را سرسختانه باز میکند . این راهپایم مادر رضائی‌ها و ایستادگی مهدی ۱۹ ساله در زیر شکنجه‌های سبعانه نشان میدهد . مادر مهدی دلیر

و احمد دلاور بود که گفت : « هرگز تفنگهایتان را بر زمین نگذارید ، و مهدی هرگز تفنگش را بر زمین نگذاشت . مهدی صادقانه و دلاورانه تفنگ برادران انقلابیش را تادم مرگ بردوش داشت و امروز این تفنگ مهدی است که بردوش برادران انقلابیش و در راه پیروزی بیکارمقدس و هدفهای عادلانه‌اش حمل میشود . اگر در خیابانهای تهران مهدی قهرمان تفنگ‌بدوش داشت در دخمه‌های تاریک شکنجه‌گاه قرون وسطائی شاه دژخیم ، به سلاح خشم ، نفرت مسلح بود و این خود برای دشمنان قسم خورده و خونخوار مردم خطر کمتری از تفنگ نیست . خشم و نفرت مهدی دلیر نسبت به دشمنان خلق در اسارت ، سلاح اوست و او به پاسداری پیام مادر شیردلش و بیاری ایمان خلل ناپذیرش به انقلاب و خلق ، هرگز این تفنگ را بر زمین نمیگذارد و ... نگذاشت . جاویدان باد یاد مهدی دلیر ! نه وعده و وعیدهای و سوسه‌گران سوسازان اهمیت برای دشمنان خلق ، و نه شلاق و منقل برقی شکنجه‌گران محمد رضاشاه خونخوار هیچیک نتوانست مهدی قهرمان را خلع سلاح کند . مهدی علیرغم جوانیش نمونه یک مجاهد منضبط ، قاطع و شجاع بود . او را در بنو دستگیری ، ۱۱ ساعت (از ساعت ۶ بعد از ظهر تا ۵ صبح روز بعد) و حشیمانه شلاق زدند و با منقل برقی سوزاندند . اما مهدی را زار دار لب پسخت نشود ، که ننگشود . در ساعت ۲ بعد از نیمه شب مهدی دلیر را در حالیکه پاسبانی پیکر نیمه جاننش را برکول گرفته بود به خیابانها آوردند تا محل اختفای یارانش را و بخصوص برادرش رضا را نشان دهد . بسی بی شرمی و وقاحت ! یارانش اگر چه به پیروی از یک اصل مطلق انقلابی دلیر مکان داده بودند ولی ما هرگز عظمت روح مهدی قهرمان را درک نکرده بودیم . ما هرگز شخصیت و زادار و سرشار از احساس مسئولیت مهدی دلیر را نسبت به خلق و انقلاب تا این حد نشناخته بودیم . مهدی دلیر با اینکه اطلاعات قابل توجهی از یارانش در سینه داشت اما هیچیک از این اطلاعات بدست دشمن نیفتاد . چه کسی عظمت این مقاومت مردانه و این زاداری جوانمردانه را خواهد دانست ؟ عظمت این مقاومت مردانه را علی اصغر بدیع زادگان شهید میفهمد که در زیر سبعانه‌ترین شکنجه‌ها لب رازدارش باز نشد . عظمت این مقاومت مردانه را مسعود احمدزاده شهید میفهمد در زیر و حشیمانه‌ترین شکنجه‌ها لب ننگشود . عظمت این مقاومت مردانه را صدها شهید انقلابی درک

میکند که طی یکسال گذشته و حشیمانه‌ترین شکنجه‌ها را پای میفشرد که جان خود را در راه خلق بدهد اما دست بجان خریدند ولی تن بخیانند ندادند .

... ولی همه اینها دلیل بر خشم این کفتار خونخوار استعمار - محمد رضا شاه - نسبت به مهدی دلیر نبود . دشمن از مهدی کینه‌ای عمیق تر بدست داشت . زیرا مهدی برادر مجاهد شهید احمد رضائی بود که زخمی عمیق بر پیکر پوسیده دشمن زد . مگر احمد نبود که با شهادت حماسه آمیزش با کشتن چهار جلاذ خونخوار شاه و زخمی کردن عده‌ای از آنها نه پیکرش ، نه اسلحه‌اش را و نه اسرارش را ، هیچکدام را بدست دشمن نداد . اسلحه‌اش شش قطعه شد ، بدنش تکه تکه شد و باین ترتیب اسرار خلق را در سینه رازدارش تا ابد محفوظ نگاهداشت . مگر مهدی دلیر برادر رضا نبود که با فرار از دست دشمن بر نخوست و خونخوار زخمی دیگر بر پیکر پوسیده رجاله‌گان استعمار وارد ساخت . مگر زرتال پرایس جاسوس و جنایتکار ، فرمانده پایگاههای هوایی استراتژیک آمریکا بدست برادران مجاهد مهدی اعدام نشد . مگر محمد رضا شاه میتواند پذیرائی جانانه‌ای را که یاران مهدی از یاراب جنایتکارش نیکسون بعمل آوردند ، فراموش کند . مگر سرتیب طاهری دژخیم ، چشم و چراغ پلیس ضد مردهی و سفاک محمد رضا شهید ۲۰ روز قبل بدست یاران مجاهد مهدی اعدام نشد . که این عمل رعشه بر اندام پلیس خونخوار شاه افکنده بود . مگر مهدی همان رزم‌آور دلیر نبود که سه هفته قبل از دستگیریش در همان خیابان خورشید با مزدوران شاه و امپریالیزم دلاورانه جنگید و گریخت و خفت و خواری نصیب آنان ساخت مگر مهدی همان دلاوری نبود که سه هفته بعد از همین تاریخ طی بیکاری در همان خیابان خورشید درسی خفت بار و پندآموز بدشمن داد .

همه اینها باضافه خشم و کینه‌ای که محمد رضا شاه از رزمندگان دلاور خلق ما بدست داشت موجبات کینه و خشمی بود که محمد رضا شاه و استعمار بیکباره از مهدی جوان بدل گرفته بود و با این تصور که مهدی جوان است و کم تجربه ، مهدی جوان است و کم طاقت ، امید داشت که با فریب و شکنجه او را وادارد که به خلق و یاران انقلابیش پشت کند ، و تن بخیانند دهد . دشمن بعد از همه شکستها و خواربها میخواست از وجود مهدی بی برای پیروزی ضد انقلاب بسازد ولی مهدی برسالت انقلابی خود آشنا بود . چهارماه شکنجه و عذاب و حشیمانه نتوانست روحیه و اراده پولادین مهدی دلیر را درگوره ضد انقلاب ذوب کند . چهار ماه شکنجه و عذاب و حشیمانه نتوانست پیوند آهنین مهدی را با خلق قهرمان و یاران انقلابیش پاره کند . انواع پر تنوع شکنجه ، از شلاق و منقل برقی و آلات شرم انگیز دیگر نتوانست یکدم شعله‌های سرکش خشم مهدی را نسبت بدشمنان خلق خاموش سازد . او تا دم شهادت مسلح بود . مسلح بسلاح خشم و نفرت ، مسلح بسلاح عشق و ایمان . او تادم شهادت در میدان نبرد انقلاب و ضد انقلاب در آنه جنگید . سلاح مهدی در این جنگ خشم و نفرت به ضد انقلاب و عشق و ایمان بخلق بود و پهنه این میدان بگسترده‌ی روح پر عظمتش بود . او سرانجام در این نبرد پیروز شد و جوانمردانه از شرف و حیثیت خلق و انقلاب دفاع کرد . مهدی قهرمان پولادین اراده‌ای بود که تنها مهار اراده‌اش را بدست خلق و انقلاب سپرده بود . تنها در راه خلق و بخاطر خلق بود که نازک‌دل تر از یک کودک بتیسم در غم محرومان و گرسنگان میگریست . اما مهدی در برابر دشمنان خلق نه ضجه کرد و نه گریست و نه تسلیم شد . دلاوری مهدی ۱۹ ساله و مقاومت جوانمردانه‌اش در زیر سبعانه‌ترین و بیسابقه‌ترین شکنجه‌ها نقطه پایانی بود بر تمام بهانه جوئیهای خانثانه و زبویانه کسانی که به بهانه سختی شکنجه و غیرقابل تحمل بودن شکنجه تن بخیانند میدهند و بخلق خود پشت میکنند . رزمندگان انقلابی ایران از مهدی رضائی‌ها آموختند که میتوان انقلابی بود و انقلابی باقی ماند میتوان در صف خلق بود و تا دم مرگ در صف خلق باقی ماند ، میتوان مرگ را پذیرفت اشکنجه‌های سبعانه را تحمل کرد اما خیانت نکرد ، اما بخلق پشت نکرد . آیا محمد رضاشاه این کفتار پیر و خونخوار توانست از این جوان دلاور و رزمجو ، بسود خود کوچکترین بهره‌ای بگیرد ؟ مهدی

بعست دشمن نهد و نداد . پیکر مقاومتش در زیر شکنجه‌های نوکران استعمار چاک چاک شد اما هیچگاه ضجه نکرد . اولین کلماتی که مهدی دلیر بعد از بهوش آمدن از شکنجه‌های ۱۱ ساعته بزبان آورد آوای یک قهرمان پیروز بود که از نبردی سهمگین سرافراز پیروزمند بیرون آمده باشد . او در حالیکه بزحمت روی زمین و روی سینه پر از زخم و جراحتش میخزید و اجازه نمیداد زندانبانان در راه رفتن با یاری دهند و وقتیکه از کنار سلولهای شکنجه گاه پلیس عبور میکرد فریاد میزد : « بجهها مقاومت کنید . اینجا میدان نبرد سهمگین خلق بادشمنان قسم خورده خلق است . درود بر گسائیکه حتی در زیر سبعانه‌ترین شکنجه‌ها لب بسخت ننگشوند و رازدار و استوار باقیمانندند » . و در همین حال بود که شکنجه گریبانگد دندانه‌های مهدی دلیر را خرد کرد ولی مهدی آوایش را که با خون رنگ گرفته بود همچنان سر میداد . در حالیکه روی استخوانهای بدون گوشت و زخم‌دارش بلند شده بود گردن شکنجه‌گر را در حلقه بازوان لاغرش تا آنجا که توان داشت فشرده ولی نه مهدی دیگر توان داشت و نه یورش سایر شکنجه گران اجازه داد که مهدی دلاور موفق شود و باین ترتیب همزمان مهدی دلیر از روزنه دخمه‌های تاریک شکنجه‌گاه شاهد دل انگیزترین حماسه‌ها بودند . شاهد اوج صداقت و ایستادگی و تهور فرزندان دلاور خلق شاهد زبونی دشمن بر نخوت و خونخوار و شاهد پیروزی خلق قهرمانان خلق بودند .

فریاد مهدی دلیر با آوای مادر قهرمانش در گوش فرزندان خلق ایران تا ابد طنین انداز است که « هرگز تفنگهایتان را بر زمین نگذارید » . خون مهدی قهرمان ستاره سرخی است که برپهنه پرچم مبارزات خلق ما نشانداده شد و این پرچم را بسرافراشته تر - راه را هموارتر و توده‌ها را خشمگین تر و مصمم‌تر ساخت . خون فرزندان دلاوری خود مهدی پشتون پیروزی فردای خلق ماست . بگذار چه تنها مردم ایران ، مردم سراسر جهان بدانند که محمد رضاشاه این پیرکفتار خون آشام ، این نوکر مزدور استعمار در این سرزمین چه میکند ، بگذار آنکه در ویتنام همسنگر مهدی است ، آنکه در فلسطین هم رزم مهدی است ؛ آنکه در ظاهر هم آرمان مهدی است ، آنکه در موزامبیک هدف انسانی مهدی را دارد ، بگذار تمامی زحمتکشایان دنیا بدانند که ظهر روز چهارشنبه ۱۵ شهریور مهدی ، رزمنده مصوم و دلیر خلق ایران را در زیر شکنجه‌های دشمنان بشریت ، جانپان جهانی ، کشتند و سپس هراسان سه روز بعد خبر اعدامش را بعسد از پایان آخرین بیدادگاه ساعت ۵ صبح روز پنجشنبه اعلام کردند .

... و باین ترتیب نه تنها محمد رضا شاه نتوانست به حیثیت انقلابی او و یارانش لطمه وارد سازد بلکه نظر همان افکار بین‌المللی و داخلی را که او قصد فریبشان را داشت ، هر چه بر نفرت تر و خشمگینانه‌تر متوجه وجود پلید و خونخوار خود میساخت .

مقاومت دلاورانه مهدی و ادامه پیکار عادلانه وی در بیدادگاه شاه به دلایل موج تهمت و دغلكاری دشمن علیه مهدی بود . و ما را بیاد این کلام یک انقلابی بزرگ میاندازد که : « ما هر چه بیشتر مورد آزار وطن و لجن و نسبتهای ناواری دشمن واقع شویم ، حقیقت این است که او را بیشتر خشمگین کرده‌ایم » .

محمد رضا شاه کفتاروار مهدی دلیر و مصموم را در زیر شکنجه تکه تکه کرد تا نیکسون خونخوار بنواداریش اعتماد کند . ننگ بر شما رده جنایتکاران ! خون رضائی‌ها را از زیر ناخنهایشان بیرون میکشیم . شما دشمنان قسم خورده خلق از این کشتار هیچ بهره‌ای نخواهید گرفت . مطمئن باشید ! مطمئن باشید ! خلق ایران مصمم گشته است خود را آزاد کند و از قربانی دادنه‌های انبوه نمیرد . مهدی دلیر در آغاز حیات فخر آمیزش شهید شد ، اما انقلاب ایران شهید نشد و شهید شدن هم نیست . مهدی ۱۹ ساله دلیر ، در فاصله عمر کوتاهش ثمره حیات انقلابی صد ساله ای را پیمود . اگر چه طول عمر مهدی کوتاه بود ولی از عرض ، از آنچه بتوان تصور کرد گسترده تر بود . بقیه در صفحه ۲

باختر امروز

بقیه محمود شامخی

سفر و گردش طولانی از خانواده دور ماند تا بتواند تمام وقت خود را صرف مبارزه کند . او بدستور سازمان انقلابی همراه عده‌ای دیگر از همزمان برای کسب تعلیمات نظامی عازم فلسطین گردید . پس از چند ماه درگیری با مشکلات وقتی که آماده سفر از دوبی بظرف فلسطین بود همراہ باجنسده نفر از رفقایش در دوبی بزندان افتاد . تابستان گرم و شرایط غیر انسانی زندان آنجا را بیش از سه ماه تحمل کرد و هنگامیکه جمع شش نفری آنها را برای تحویل به پلیس ایران با هواپیما می بردند با کمک رفقای دیگری جمعاً هواپیما را از مسیر منحرف کرده و در بغداد پیاده شدند . محمود هم مثل بقیه همزمانش پس از مدت کوتاهی اقامت اجباری در عراق راهی پایگاههای «فتح» شدو در آنجا از تجارب خوبی بهره‌مند گشت . او که از لحاظ تشکیلاتی جوانی کار کرده و با تجربه بود خیلی خوب میتوانست مشکلات و مزایای یک انقلاب در حال عمل را مشاهده کندو خود را برای آینده انقلاب ایران مجرب تر سازد و سرانجام هنگامیکه چندین ماه پیش از شهادتش بایران مراجعت کرد ، دستاوردهای بسیار با ارزش را برای برادران مبارز خود بهمراه داشت . صداقت و خلوص محمود کم نظیر بود ، او وقف صفتش بود . هرکاری ولو بسیار کوچک را اگر برفع جنبش نبود کنار میکشاد . او تجسم خوب حل شدن در امر نبود بود . جنبش ضد امپریالیستی و ضد استعماری و ضد سلطنتی خلق ایران را بسیار مهم میدانست . بهین دلیل هرگز از کوشش فکری یا عملی برای افزایش تجارب خود در این راه دریغ نداشت . بزی او اصل این بود که کارش در خدمت با انقلاب تمام شود ، مشکل بودن و کمیت جنبه فرعی داشت . بهین دلیل از بسیاری کارها که معمولاً خیلی از افراد از پذیرفتن یا انجام آن از خود تردید و تأمل نشان میدهند ، او استقبال میکرد و انجام میداد . عمل او در این مورد نمونه بود . محمود شامخی مجاهد شهید که در پایگاه «فتح» بنام ابو علی معروف بود خوب مشکلات راه را ارزیابی میکرد . یکبار یکی از دوستانش گفته بود « ... هرکس که امروز مبارزه میکند باید خود را برای کشته شدن آماده کند » .

محمود کم فکر کردن روی مسائل را نمیتوانست بپذیرد . او در تماس با مردم بسیار پرحوصله و دلسوز بود . جامعه کردی‌های او در تهران و شهرستانها ثمرات خوبی برای سازمان ببار آورد . اجرای برنامه « خود سازی » که جزء برنامه سازمان مجاهدین بود موجب تکامل فکری و تحرك او شده بود . برای محمود مسلمانی و انسانیت در عمل مخلصانه در راه رهائی توده خلاصه میشد و بهین دلیل هیچگونه سوء استفاده و نیرنگ را نمی توانست تحمل کند . باز گشت او بایران برای سازمان مجاهدین مفتنم بود و او در مدتی که با دوستانش بود خوب کار کرد و بتجارب سازمان افزود . شهادت او در عین اینکه فئدانی بزرگ محسوب میشود ، انگیزه جدیدی است برای مبارزه بی امان علیه رژیم که میهن و مردم ما را به بیگانه فروخته از طریق کشتن فرزندان دلیر خلق بارباان امپریالیست خود خدمت میکند . درود به شهید مجاهد محمود شامخی . درود به پدر و مادر محمود که چنین فرزند پاک سرشتی پرورده بخلق تقدیم کردند . گرمی باد خاطره کلیه شهداء وطن ، فرزندان انقلابی ایران .

نشانی پستی
P.O. Box 7219
Beirut, Lebanon
نشانی بانکی
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13896
ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ قرش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۵ قرش

بقیه - اخبار



سید محمد سادات در بند ، کارگر چاپخانه در تهران ، رزمنده‌ای از سازمان مجاهدین خلق ایران ، یکی از مبارزینی بود که در جریان آزاد ساختن ۶ تن از مجاهدین که در دوبی دستگیر شده بودند شرکت داشت . وی پس از این اقدام موفقیت آمیز ماهها در اردوگاه‌های رزمندگان فلسطین خود را برای ادامه مبارزه آماده ساخت . وی پس از برگشت به ایران در تابستان ۵۰ به چنگال رژیم افتاد و به حبس ابد محکوم شد . درود بر او و همه رزمندگان خلق باد .

اسداله بشر دوست ، یکی از چریکهای ارژنده ایران در اصفهان به شهادت رسید . دولت ، وی را مسئول بسیاری از عملیات چریکی در گیلان و تهران و اصفهان شمرده است .

رژیم سفاک ایران دو تن دیگر از مجاهدین قهرمان ایران را جانیکارانه اعدام کرد . مجاهد محمد مفیدی و مجاهد محمد باقر عباس ، فرزندان دلاور وطن یا خون خود طومار وفاداری خلق به آزمانهایش را امضاء کردند . دولت ایران وحشت زده از اعدام انقلابی سرسپرده‌ترین جلادانش نظیر سرتیپ طاهری ، بخوبی میدانند که شهادت ، مانع مبارزه کسانی که کشته شدن در راه خلق را وظیفه انقلابی خود میدانند نیست ، ولی میخواهد با اعدام این قهرمانان ، هژدوران خود را دل و جرات بخشد ، لکن از اینکه طاهری آخرین مزدور عمودم خواهد بود .

بقرار اطلاع اخیراً ۵ نفر از مبارزین بدستور شاه اعدام شده‌اند . تا هنگامی که روزنامه بزیر چاپ می‌رود از اسامی این قربانیان جدید رژیم اطلاع موثقی در دست نداریم .

رژیم که در گذشته کوشش میکرد پس از دستگیری بعضی از چریکهای سرشناس با بوق و کرنا عملیات مسلحانه سازمانها را خاتمه یافته نشان دهد ، مدتی است که از ترس (انعکاس مثبت عملیات مسلحانه در بین مردم ، از پخش اخبار مربوط بعملیات چریکها جلوگیری بعمل می‌آورد . از جمله در مورد برخورد مسلحانه ای که بین چریکها و نیروی پلیس در خیابان خانی آباد و متعاقب آن در خیابان فرح در تهران روی داد ، کوشش کردند اخبار آن بخارج انعکاس پیدا نکند . بهین ترتیب اجازه ندادند که جرایم و خبرگزاریها عملیات انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران را در سفارت اردن و چند مونسسه نظامی پخش کنند .

در همین زمینه اخبار سر و دست شکسته‌ای در روزنامه‌های کشور منتشر میشود که بازگویی جریانانی است که دولت مایل به افشاء واقعیت آنها نیست . از این جمله است خبر ۱۰ دی حاکی از پیدا شدن سه جسد در خیابان قوام به فاصله ۱۰۰ - ۲۰۰ متر از یکدیگر که باعث توجه مردم شده بود و نیز تیراندازی پلیس به اتومبیل در پارکوی که قصد فرار داشته و ظاهراً پس از تیراندازی ، با دیوار خانهای در خیابان اسکندری تصادف میکند و منجر به کشته شدن دو نفر و مجروح شدن ۴ نفر میشود . مجروحین از قرار دستگیر شده‌اند .

شایع است که حجه‌الاسلام سبحانی دزفولی نیز در زیر شکنجه شهید شده است . حسینیه ارشاد و مسجد الجواد و مسجد هدایت و مسجد نارمک که محل فعالیت جامعه روحانیت مرقی ایران بود از طرف سازمان «امنیت» بسته شده‌اند . قبلاً در حسینیه ارشاد و در مسجد ارشاد تظاهرات و زدوخورد شدیدی بین مردم و پلیس روی داده بود که در این حوادث عده کثیری از مردم زخمی و دستگیر شدند . در راه اصفهان - قم بین دلیجان و میمه عده‌ای از چریکها یک اتومبیل متعلق بیک صهیونیست سرمایه

اعلامیه سازمان مجاهدین خلق ایران

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

انی لا ازی الموت الا سعادة والحياء مع الصالحين الا برما ، «من مرگ در راه عقیده‌ام را جز رستگاری نمیپیم و همین رستی و مسالمت باستمکاران برای من جز لذت و خواری نیست » (از آخرین کلمات حسین بن علی (ع) سرور آزادان در روز خونین عاشورا)
« میدانم که مرا بعد از دادگاه شکنجه خواهند کردو خواهند کشت . بگذار شکنجه کنند بگذار رک و پوست مادر راه خلق فداشود . تا ظلم هست مبارزه هست و تا مبارزه هست شکست و پیروزی هست : اول سرانجام پیروزی متعلق بخلق است . اینرمان نمیگور تاریخ میگوید ، این رانبرد قهرمانانه خلق و بنام میگوید این را خلقها میگویند و خلقها حقیقت را میگویند .
بقیه در صفحه ۳

دار را متوقف میسازند گواهی نامه او را با مقدار زیادی پول برای استفاده انقلابی مصادره میکنند .

« انجمن خلقی همیستکی خلقهای ایران و پاکستان اخیراً طی اعلامیه‌ای پشتیبانی بیدریغ خود را از قهرمانان دلاور خلق ایران که جان بکف علیه رژیم شاه مبارزه میکنند اعلام داشت . در این اعلامیه به سیاست تجاوزکارانه شاه و نفی آن که در اجرای برنامه‌های امپریالیستی دارا اشاره شده است .

صاح رسنم ، لطیف حسینی توفیق ، عیسی مجیدی ، علی فیض الله ، رحمن عبیدار پنج قربانی جنبه رژیم مزدور شاهند که در تاریخ ۱۴ دی به اتهام « خرابکاری » تیرباران شدند . باشد که نوده‌های سنگمش ایران بپا خیزند و انتقام خون عزیزانشان را از سرسپردان استعمار بگیرند .

عده‌ای از مبارزین به دلایل مختلف دستگیر شده‌اند . اسامی پاره‌ای از آنان به قرار زیر است :

آقایان حمیدی (دانشجو) ، حدادی و یک گروه ۲۰ نفری ، نیلی ، محسن قدیری ، سید رضا دیباج (دا نشجو) ، قاسم آقاکنانفرسوی ، سامی (دانشجو) ، ناظم رضوی (دانشجو) ، موسوی مسجد سلیمان ، صمصامی ، غلامی ، سید عباس موسوی ، عباس خزائی همچنین آقایان حجه الاسلام سید جعفر عباس زادگان ، موحدی ساوه‌ای ، شیخ نصرالله صالحی ، شیخ رضا مهدوی ، شیخ قدرت علیخانی زندانی شده‌اند .

آقای محمد رضا ناصری که سال گذشته به سر حج رفته و توسط رژیم ارتجاعی عربستان سعودی دستگیر شده بود اخیراً آزاد گشته است . آقای ناصری پس از مدتی اقامت در زندانهای ترون و سطلانی ملک فیصل ، مخفیانه ب ایران اعزام شد تا تحقیقات بیشتری توسط رژیم شاه از او بعمل آید و سپس دوباره به عربستان فرستاده شد . ما در آینده شرح مفصل تری از جریان این دستگیری و نحوه همکاری مستقیم ارتجاع ایران و عربستان سعودی در اختیار خوانندگان قرار خواهیم داد .

علیرغم فشار و خفتان ، در نقاط مختلف کشور چندین اعتصاب به وقوع پیوسته و نیز تظاهرات روی داده است از این جمله‌اند : اعتصاب دانشکده پلی تکنیک و دانشگاه صنعتی آریاهر بمناسبت روز دانشجو (از ۱۳ تا ۱۶ آذر) ، تجمع و پخش اعلامیه در قم بمناسبت ۳۵ شوال، مصادف با دهمین سالگرد یورش وحشیانه رژیم به مدرسه فیضیه قم .

یک گروه ۱۴ نفری در اهواز دستگیر شده است . بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان علوم دینی طرف چند ماه اخیر به سربازخانه‌ها اعزام شده‌اند . عده‌ای از این مبارزین را قبلاً زندانی کرده و شکنجه داده‌اند .

درود به خاطره تابناک جهان پهلوان تختی